

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 486

Date of filing: 114  
25 Mar 88

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of Mr Brower  
- Date 25 Feb 88  
\_\_\_\_\_ pages in English 18 pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

پرونده شماره ۴۸۶

شعبه سه

حکم شماره ۴۸۶-۲-۳۵۱

اینترنشنال اور اند فرتیلایزر کورپوریشن،  
اینتر اور کورپوریشن عربستان سعودی، و اینتر اور تردینگ لیمیتد،  
خواهانها،

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحدہ
<b>ثبت شد - FILED</b>	
Date	25 MAR 1988
	۱۳۶۷ / ۱ / ۵
No.	486

- و -

شرکت شیمیایی رازی با مسئولیت محدود (سابقاً) شرکت  
شیمیایی شاهیپور با مسئولیت محدود،  
شرکت بازرگانی دولتی ایران،  
شرکت ملی پتروشیمی، و  
شرکت سهامی پخش کود شیمیایی،  
خواندگان.

English version Filed on <u>29-Feb-88</u> <u>۲۹ فروردین ۱۳۶۷</u> نسخه انگلیسی دستاویز ثبت شده است.
--

نظر مخالف قاضی براوئر

DUPLICATE ORIGINAL نسخه برابر اصل
---

۱ - اختصار این حکم، این واقعیت را از نظر می پوشاند که این اولین حکم دیوان است که در آن نظر داده شده که یک شرکت عام موفق به اثبات تابعیت ادعاهای خود نشده است علیرغم آنکه (۱) اعتبار مدارکی که خواهان تسلیم نمود در معرض تردید نبود، (۲) در واقع هیچگونه مدارک معارضی ارائه نشد، با آنکه (۳) مدارک معارض اگر وجود داشته باشد، در اسناد عمومی و به سهولت و فوریت در دسترس خواندگان بوده است،

(۴) خود دیوان هرگز در صحت و درستی ادعای تابعیت تردیدی ابراز نکرد و (۵) دیوان در این پرونده هیچگاه جلسه استماعی برگزار ننمود. چنین قصوری از ناحیه دیوان که یا بدون تردید اعمال صلاحیت کند (که از نظر من علی الظاهر احراز شده بود) (۱) و یا در صورت وجود تردیدی مکنون، خواستار افشای واقعیاتی شود که آن را قادر به اخذ تصمیم آگاهانه ای درباب صلاحیت خود کند، مغایر با مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی است که گروههای معینی از اختلافات را بطور مطلق در حوزه صلاحیت دیوان قرار داده است. [این قصور، اینجانب را] بر آن می دارد که مخالفت شدید خود را ابراز کنم.

## اول

۲ - این نکته حائز اهمیت فراوانی است که [ابتدا] ببینیم اینگونه خواهانها برای احراز صلاحیت دیوان دقیقاً چه چیزی را باید ثابت کنند. خواهانها ادعا می کنند که در طول تمامی دوره ذریبط خواهان، اینترنشنال اور اند فرتیلایزر کورپوریشن ("آی او اف سی")، (۲) در ایالت دله ور در ایالات متحده ثبت و از طریق رشته ای از سایر

---

(۱) "دلیل محمول بر صحت دلیلی است که اگر دلیلی بر خلاف آن ارائه نشود، برای اثبات امری کافی است ولی قاطع نیست." "ادعای محمول بر صحت"، "ادعایی" است "کافی برای ایجاب پاسخ". D.M. Walker, The Oxford Companion to Law, at 987 (1980).

(۲) خواهانها در دادخواست اظهار می دارند که آی اف او سی جانشین حقوق شرکتی است که سابقاً "موسوم به اینتر اور کورپوریشن اینک. ("آی سی آی") بوده است. آی سی آی طرف اصلی دو فقره از قراردادهای موضوع دعوی در پرونده حاضر است. خوانندگان درباره رابطه بین آی او اف سی و آی سی آی ابراز تردید کرده اند، ولی در رد اظهار خواهانها که آی او اف سی جانشین قانونی آی سی آی و در نتیجه مالک ادعاهای مطروح در پرونده حاضر است، دلیلی ارائه نکرده اند. بدین ترتیب با آنکه خواهانها مشخص نکرده اند که جانشینی از طریق تغییر نام یا تشکیل مجدد شرکت یا به دست آوردن دارایی بوده، دیوان می بایست متقاعد شده باشد که آی او اف سی طبق مفاد بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، مالک ادعاهای مطروح می باشد. در هر صورت، در حکم ذکری از این موضوع به میان نیامده است.

شرکتهای تابعه صد در صد مملوک(۳)، تماما" به آکسیدنتال پترولیوم کورپوریشن ("آکسیدنتال پترولیوم")، یعنی یک شرکت عام کالیفرنایی که بیش از پنجاه درصد سهام آن بنوبه خود متعلق به اتباع ایالات متحده بوده، تعلق داشته است. آی او اف سی ادعاهایی بابت دو قرارداد دارد که خود طرف آنها بوده است، یکی با خوانده، شرکت شیمیایی رازی با مسئولیت محدود (رازی)، و دیگری با خوانده، شرکت بازرگانی دولتی (بازرگانی دولتی). ولی خواهان مذکور، ادعاهایی بابت دو قرارداد دیگر هم دارد، یکی قراردادی است که بین خواهان اینتر اور کورپوریشن عربستان سعودی ("اینتر اور اس ا") و خوانده، شرکت سهامی پخش کود شیمیایی ("کود شیمیایی")، و دیگری قراردادی است که بین اینتر اور تریدینگ لیمیتد ("اینتر اور تریدینگ") و خوانده، شرکت ملی پتروشیمی ("پتروشیمی")، منعقد شده است، و اظهار می کند که دو شرکت اینتر اور (که هر دو شرکتهای لیبرایی هستند) از اکتبر ۱۹۷۷(۴) صد در صد متعلق به وی بوده اند، و بنابراین طبق بند ۲ ماده هفت

---

(۳) خواهانها توضیح می دهند که آی او اف سی کلا" متعلق به یک شرکت نیویورکی بنام آکسیدنتال کیمیکال کورپوریشن است که خود کلا" متعلق به آکسی سی اچ کورپوریشن و این خود کلا" متعلق به آکسی کیمیکال کورپوریشن، و این خود کلا" متعلق به آکسیدنتال کیمیکال هولدینگ کورپوریشن و این خود کلا" متعلق به آکسیدنتال پترولیوم اینوستمنت کامپنی و این خود کلا" متعلق به آکسیدنتال پترولیوم کورپوریشن می باشد که همه اینها شرکتهای کالیفرنایی می باشند.

(۴) اختلاف مربوط به اینتر اور تریدینگ مسلما" بعد از نهم مهرماه ۱۳۵۶ [اول اکتبر ۱۹۷۷] به وجود آمده است، زیرا قرارداد مورد بحث به تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۶ [۱۶ فوریه ۱۹۷۸] بوده است. تاریخ ایجاد اختلاف مربوط به اینتر اور اس ا به این روشنی نیست زیرا قرارداد به تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۵۵ [هفتم ژانویه ۱۹۷۷] بوده و قابل تصور است که برخی از هزینه های مورد بحث قبل از نهم مهرماه ۱۳۵۶ [اول اکتبر ۱۹۷۷] ایجاد شده باشد. اما هیچیک از خواندگان از این لحاظ اعتراضی به ادعا نکرده و در هر صورت بنظر می رسد که قبل از نهم مهرماه ۱۳۵۶ [اول اکتبر ۱۹۷۷] اینتر اور اس ا کلا" متعلق به آکسی کیمیکال کورپوریشن، شرکت فرعی دیگر، کلا" متعلق به آکسیدنتال بوده است. بدین ترتیب، صرف نظر از اینکه ادعا قبل یا بعد از نهم مهرماه ۱۳۵۶ [اول اکتبر ۱۹۷۷] ایجاد شده باشد، بنظر می رسد اینتر اور اس ا در کلیه اوقات متعلق به آکسیدنتال پترولیوم و تحت کنترل آن بوده است.

بیانیه حل و فصل دعاوی، وی می‌تواند حقوق آنها را به عنوان "ادعاهای غیرمستقیم" مطرح نماید.

۳ - به این ترتیب، برای استناد به صلاحیت دیوان به ترتیب مطروح، خواهانها ملزم به اثبات آن هستند که در طول دوره ذریبط :

- (الف) آکسیدنتال پترولیوم در ایالات متحده تاسیس یافته،
- (ب) حداقل پنجاه درصد سهام آکسیدنتال پترولیوم متعلق به اتباع ایالات متحده بوده،
- (ج) آی او اف سی در ایالات متحده تاسیس یافته،
- (د) آکسیدنتال پترولیوم مالک تمام آی او اف سی بوده،
- (ه) دو شرکت اینتر اور در ایالات متحده تشکیل نشده، و
- (و) آی او اف سی مالک هر دو شرکت اینتر اور بوده است.

۴ - باتوجه به اینکه دستور رهنمون مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۶۱ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۲] دیوان در پرونده شماره ۳۶، شعبه یک، فلکسی - وان لیسینگ اینک و جمهوری اسلامی ایران که در Iran-U.S. C.T.R. 445 1 نیز چاپ شده است، و دستور مورخ اول بهمن ماه ۱۳۶۱ [۲۱ ژانویه ۱۳۶۱] آن صادره در پرونده شماره ۹۴، شعبه یک، جنرال موتورز کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران که در 3 Iran-U.S. C.T.R. 1 نیز چاپ شده و مندرجات دستور رهنمون به تفصیل در آن تشریح گردیده، هر دو پیش از ثبت کلیه لوایح خواهانها (بجز دادخواست اولیه آنان) صادر شده بود، طبیعی می‌بود که خواهانها راجع به ادله مورد نیاز برای اثبات ادعای تابعیت امریکایی شرکت عام طبق رهنمودهای دقیقی که به عمل آمده بود، عمل کنند. همانطور که در بند ۱۳ تصمیم شماره ۴۵ مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۶۵ [۱۰ ژوئیه ۱۹۸۶] دیوان عمومی در پرونده الف - ۲۰، جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده امریکا اظهار شده:

شعب دو و سه از رویه (شعبه یک) پیروی نکرده و از خواهانهایی که به هر صورت شرکت سهامی عام هستند، نخواستند که طبق دستورهای صادره در پرونده‌های

فلکسی - وان و جنرال موتورز، مدارکی ارائه دهند. معهذاً، حتی بدون صدور چنین دستوری از طرف دیوان، بسیاری از این قبیل خواهانها چنین مدارکی را تسلیم نموده و دیوان مدارک مزبور را به عنوان مبنای تشخیص صلاحیت پذیرفته است.

۵ - از طرف دیگر، بطوریکه دیوان عمومی در همان پرونده همچنین اظهار نموده:

در عین حال، نوع ادله و مدارکی که قابل قبول تشخیص داده شده، بسته به نوع پرونده متفاوت بوده است. فی المثل، رجوع شود به: ص ۷ [متن انگلیسی]، حکم شماره ۳-۲-۹۳ مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ [۲۸ آذرماه ۱۳۶۲] در پرونده امریکن اینترنشنال گروپ اینکوریپتد و جمهوری اسلامی ایران، که در 96, 100 Iran-U.S. C.T.R. 4 نیز به طبع رسیده است.

...

در این پرونده نظیر پرونده الف - ۱ در موضوع مصالحه که در آن تصمیمی باتفاق آراء اتخاذ گردید، "تعیین یک قاعده کلی به صورت انتزاعی و مجرد در مورد حدود و دامنه مورد نیاز برای رسیدگی به صلاحیت، باتوجه به اوضاع و احوال متفاوت و متنوعی که در مورد مسائل مربوط به صلاحیت ممکن است بروز نماید، و نیز باتوجه به ماهیت دقیق و پیچیدگی مقررات صلاحیت در بیانیه‌های الجزایر، بدون در نظر گرفتن شرایط در وضعیت هر دعوی خاص، نه صحیح است و نه عملی." پرونده شماره الف - ۱ (موضوع دوم)، ص ۱۲ [متن انگلیسی] تصمیم شماره ۸ - الف ۱ مورخ ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ [۱۷ مه ۱۹۸۲] دیوان عمومی، که در 144, 52 Iran-U.S. C.T.R. 1 نیز به طبع رسیده است.

همان ماعخذ. بندهای ۱۳ و ۱۵. بنابراین، همچنانکه (بندهای ۹ و ۱۰) حکم می‌پذیرد، در این پرونده نه خواهانها جهت اثبات، مقید به پیروی از رهنمودهای خاصی بوده‌اند و نه دیوان.

۶ - در نهایت، همانطور که در خود (حکم) پرونده فلکسی - وان ذکر شده، قاعده‌ای که باید رهنمود دیوان شود از دیوانهای مشابه و سلف این دیوان به ارث رسیده است.

در پرونده فوق‌الذکر، دیوان داوری نظر کمیسیون دعاوی عمومی مکزیک - ایالات متحده در پرونده پارکر (1926) 39 Int'l Arb. Awards R. 4 را [به شرح زیر] ذکر کرده است:

هرگاه خواهان ادعای محمول بر صحتی را به اثبات رسانده و خوانده هیچ دلیل و مدرک معارضی ارائه نداده باشد، طرف اخیر نمی‌تواند بدون ارائه دلیلی برای تردید، اصرار ورزد که خواهان برای اثبات بدون شک و تردید ادعاهای خود، انبوهی دلایل و مدارک ارائه نماید.

ص ۶ [متن انگلیسی] فلکسی - وان، مذکور در فوق، (به نقل از پرونده پارکر) که در 1 Iran-U.S. C.T.R. at 457 نیز چاپ شده است. دیوان ادامه داده است که :

همین اصل را کمیسیون دعاوی فرانسه - مکزیک نیز مراعات کرده است. کمیسیون مزبور رای داد که یک دیوان داوری بین‌المللی در مسئله تعیین تابعیت "در مواردی که کل جریان ارائه ادله و مدارک منطقیاً ضروری به نظر نمی‌رسد، می‌تواند شروط آسانتری را به کار گیرد". Pinston Case, 5 R. Int'l Arb. Awards 327 (1928)

همان ماخذ که در 1 Iran-U.S. C.T.R. at 457 نیز چاپ شده است.

۷ - بدین ترتیب، حتی با آنکه طبق بند یک ماده ۲۴ قواعد دیوان، خواهان "مسئول اثبات واقعیاتی است که در تائید ادعای خود بدان استناد کرده است"، و از جمله ادعای صالح بودن دیوان برای رسیدگی، نباید فوراً نتیجه‌گیری کند که خواهان از عهده اثبات تابعیت خود برنیامده است. در مواردی که صلاحیت دیوان بطور عینی وجود دارد، دیوان همانقدر موظف به اعمال آن است که موظف به رد آن وقتی که وجود ندارد. دو دولت طرف داوری در هنگام تاسیس این دیوان اعلام کردند که هدف مشترکشان این است که "موجبات خاتمه دادن به چنین ادعاهایی (بین دولت یک طرف

و اتباع طرف دیگر) را از طریق داوری لازم‌الاجرا فراهم آورند" و این ادعاها را در اصل کلی ب بیانیه عمومی و در بیانیه حل و فصل دعاوی به تفصیل بیشتری تعریف کردند. موجودیت دیوان برای آن است که اطمینان حاصل کند که این هدف دو دولت جامه عمل بپوشد.

۸ - با توجه به نکات الف تا و در (بند ۳ بالا)، بنظر می‌رسد که خواهانها در مورد نکات (الف)، (ب)، (ج) و (ه) یعنی تابعیت امریکایی آکسیدنتال پترولیوم، تاسیس آی او اف سی در ایالت دله ور و تاسیس دو شرکت اینتر اور در لیبری، دیوان را متقاعد ساخته‌اند. به عنوان مثال، رجوع شود به بندهای ۶ تا ۸ و ۱۱ حکم (۵) مواردی که

---

(۵) حکم در آنجا که (بند ۹) اظهار می‌کند "خواهان ها در اثبات تابعیت آکسیدنتال رهنمودهای یاد شده [در فلکسی - وان و جنرال موتورز] را طبق انتظارات دیوان رعایت کرده‌اند" به خطا رفته است. به عنوان مثال، در مورد آی او اف سی، یک گواهی حسن شهرت به تاریخ ۲۹ آبان ماه ۱۳۶۳ [۲۰ نوامبر ۱۹۸۴] تسلیم شده ولی هیچگونه گواهینامه‌ای دایر بر موجودیت شرکت در تاریخ ایجاد ادعا (رجوع شود به فلکسی - وان مذکور در فوق، صفحات ۸، ۹ و ۱۵، ۱۶، که در Iran-U.S. C.T.R. at 458-59, 462 نیز چاپ شده است)، تسلیم نشده، با آنکه خواهانها در پاسخ مورخ دوم اسفندماه ۱۳۶۱ [۲۱ فوریه ۱۹۸۳] خود تعهد کرده بودند آنرا تسلیم نمایند. (item 1.(a)). لیکن گواهی کامل تری در مورد آکسیدنتال پترولیوم تسلیم شد، همچنانکه شهادتنامه از یکی از مقامات شرکت داده شده و در آن اظهار گردیده که ۹۸/۹ درصد سهام شرکت در جلسه سالیانه شرکت در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۲۱ مه ۱۹۸۱] متعلق به سهامدارانی بوده که در ایالات متحده نشانی [یستی] داشته‌اند. (رجوع شود به: صفحه ۱ جنرال موتورز مذکور در فوق، که در 1 Iran-U.S. C.T.R. نیز چاپ شده است). (عین درصد برای تاریخ ششم دیماه ۱۳۵۵ [۲۷ دسامبر ۱۹۷۶] نیز داده شده است). همچنین هیچ وکالتنامه‌ای مربوط به سهامداران جمعی نیز داده نشده است (هرچند جنرال موتورز این شرط مندرج در فلکسی - وان را ادامه داد، باتوجه به شهادتنامه فوق‌الذکر، در سودمند بودن این نوع مدارک در ارزیابی احتمال وجود سهامداران بزرگ غیر امریکایی که الزام آن از ابتدا در جنرال موتورز آغاز شد، جای تردید وجود دارد).

دنباله زیرنویس در صفحه بعد

در حکم نظر داده شده اثباتی از طرف خواهانها ارائه نشده، نکات (د) و (و) است، یعنی اثبات ادامه ادعایی رشته‌ای از مالکیت انحصاری از آکسیدنتال پترولیوم به آی او اف سی و از طریق آن به دو شرکت لیبریایی اینتر اور. (۶) بنابراین ضروری است که در مورد این نکته در سوابق مذاقه شود.

۹ - بررسی دقیق سوابق نشان می دهد که در مورد رشته ادعایی مالکیت، مدارکی هرچند اندک اما معنا" متوافق وجود دارد. در دادخواست، وکالتنامه‌ای دیده می‌شود که مارک جی. کندی، نایب رئیس و معاون دبیر شرکت و هربرت تسر نایب رئیس امور مالی شرکت، آن را در تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۶۰ [هفتم ژانویه ۱۹۸۲] از طرف آی او اف سی امضاء کرده و به وکیل پرونده داده‌اند. گواهینامه‌های مورخ ۲۰ آذرماه ۱۳۶۳ [۱۱ دسامبر ۱۹۸۴] دو شرکت لیبریایی را که در سوابق موجود است، در هر مورد مارک جی. کندی به عنوان دبیر شرکت امضاء کرده است. وکالتنامه‌های همین دو شرکت را که در سوابق موجود و به تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۶۰ [هفتم ژانویه ۱۹۸۲] بوده و به وکیل این پرونده اختیار اقدام می‌دهند، در هر مورد مارک جی. کندی، دبیر شرکت، و هربرت تسر، خزانه‌دار شرکت، امضاء کرده‌اند. در سوابق همچنین دو

---

[ادامه زیرنویس شماره ۵ از صفحه قبل]

لیکن از یک لحاظ خواهانها بیش از حد الزام مندرج در فلکسی - وان و جنرال موتورز مدرک ارائه داده‌اند. خواهانها گواهی های حسن شهرت (که تاریخهای اصلی تاسیس شرکتها، یکی در ۱۹۶۶ و دیگری در ۱۹۷۴ را تأیید می‌کنند) برای هر دو شرکت اینتر اور لیبریایی تسلیم نمودند، با آنکه [در دستور صادره در پرونده] جنرال موتورز که در آن هم در رشته رابط یک ادعای غیرمستقیم به شرکت مادر شرکتها غیرامریکایی ("جنرال موتورز او کانادا، لیمیتد" و "جنرال موتورز کنتیننتال، ان. وی.") وجود داشت، مطلقاً الزامی به تسلیم گواهینامه راجع به شرکتها فرعی خارجی وجود نداشت.

(۶) خواهانها در پاسخ خود تعهد کرده بودند که "در موقع مناسب در جریان رسیدگی" برای وجود این رشته "دلیل ارائه" کنند (items 1. (a) and (b)).

نامه از لایبرین کورپوریشن سرویسز، اینک. به ترتیب به تاریخ های ۸ و ۱۵ آذرماه ۱۳۶۳ [۲۹ نوامبر و ششم دسامبر ۱۹۸۴] راجع به وضعیت این دو شرکت لیبرایی وجود دارد که اولی خطاب به آقای کندی در آکسیدنتال پترولیوم و دیگری خطاب به وی در "آکسیدنتال کمیکال اگریکالچرال پراداکتس" (۷) می باشد. در لایحه دفاعیه کود شیمیایی ضمیمه ای به عنوان مستند ج وجود دارد که ظاهراً قراردادی است به تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۵۵ [هفتم ژانویه ۱۹۷۷] که حسب ادعای وی با اینتر اور اس منعقد و در آن آدرس شرکت اخیرالذکر چنین نوشته شده است:

همیلتون، برمودا

توسط اینترنشنال اور اند فرتیلایزر کورپوریشن

۱۳۲۰ اونیو آو امریکاز

نیویورک ، نیویورک

ایالات متحده امریکا

علاوه براین، یک شماره تلفن نیویورک هم به عنوان تلفن اینتر اور اس ا در آن ذکر شده است. (۸)

---

(۷) حسب ادعا شرکتهای مختلف "آکسیدنتال کمیکال" در رشته مالکیت بین آکسیدنتال پترولیوم و آی او اف سی قرار دارند. رجوع شود به: زیرنویس شماره ۳ بالا.

(۸) طبق الزامات مندرج در صفحه ۱۷ [متن انگلیسی] فلکسی - وان، مذکور در فوق که در 1 Iran-U.S. C.T.R. at 463 نیز چاپ شده است و صفحات ۲ و ۳ جنرال موتورز، مذکور در فوق، که در 2 Iran-U.S. C.T.R. at 3 نیز چاپ شده است، رشته مالکیت شرکتهای در تاریخ تقریبی ایجاد ادعا، باید با گواهی از یک موسسه رسمی حسابداری به اثبات برسد.

۱۰ - در (پاراگراف ۱۰) حکم اذعان شده که "خوانندگان مدرکی ارائه نکرده‌اند" که ادعاهای تابعیت امریکایی خواهان را رد کند.

۱۱ - گرچه مدارکی که خواهانها بدین صورت راجع به رشته مالکیت ارائه داده‌اند، اندک است، اما من معتقدم که از لحاظ دیوان، کلیه مدارک ذریبطه، من حیث المجموع، برای اثبات تابعیت امریکایی خواهان بطور علی الظاهر، یعنی "به قدر کافی برای ایجاب پاسخ" کفایت می‌کند.

۱۲ - من معتقدم که یک دیوان بین‌المللی مانند این دیوان، در مواردی مانند مورد حاضر که شرایط زیر صادق است، باید اعمال صلاحیت کند (۱) صلاحیت به طور علی الظاهر به ثبوت رسیده است، (۲) اعتبار مدارک خواهانها راجع به صلاحیت مورد اختلاف نیست، (۳) خوانندگان با آنکه رسماً ادعاهای خواهانها را در مورد وجود صلاحیت انکار کرده‌اند، حتی کوچکترین دلیل معارضی ارائه نداده‌اند، و (۴) چنین دیوانی از سایر جهات تردیدی در مورد مدارک خواهانها ندارد. طبق رویه‌ای که قبلاً ذکر شد (بند ۶ بالا) وقتی مطلبی بطور علی الظاهر به ثبوت رسید، "مستلزم پاسخ" و رد آن مستلزم ارائه "مدارک معارض است". رجوع شود به زیرنویس شماره ۱ در فوق. در آن مرحله، خوانندگان هستند که بار ارائه دلیل را بردوش دارند. چنانچه آنان هیچ پاسخ مستدل ندهند و چنانچه مسئله اعتبار مدارک خواهانها یا دلیل دیگری برای ایجاد تردید در آنها به وجود نیامده باشد، خواهانها ملزم نیستند "انبوهی از مدارک" و "دلایل رسمی" بیشتری ارائه دهند. رجوع شود به بند ۶ فوق. در اینصورت، دیوان ملزم است که دلیل خواهانها را به عنوان دلیل قاطع بپذیرد.

## دوم

۱۳ - در (بند ۱۰) حکم برای توجیه رد (ادعا)، نتیجه‌گیری شده که "دلایل لازم جهت اثبات اینکه شرکتی تماما" متعلق به شرکت دیگری است یا خیر، مطلبی کاملا" متفاوت است،" از اثبات تابعیت یک شرکت سهامی عام ... در (بند ۱۰) ذکر شده که در مورد موضوع پیشین "اسنادی که رسماً در موسسات دولتی به ثبت رسیده و یا اینکه حسابداران رسمی مستقلی صادر کرده‌اند" و "اسناد دیگری که همگان به آنها دسترسی دارند و مآخذی که چنین مالکیتی در آنها ثبت شده ... قابل دسترسی است." حکم تلویحاً حاکی است در مورد موضوع اخیر چنان اسنادی در دسترس نیست و نتیجه می‌گیرد که "اعمال چنان ضابطه قابل انعطافی در مورد مدارک"، در موردی که اطلاعات در دسترس همگان است، "قابل توجیه نیست."

۱۴ - لیکن با اینگونه استدلال، اولاً" حکم در درک واقعیات به خطا رفته و ثانیاً" استنتاج غلطی از آنها به عمل می‌آورد. بسیاری از اطلاعات مربوط به تابعیت یک شرکت عام که در پرونده‌های فلکسی - وان و جنرال موتورز خواسته شده، مانند گواهینامه‌های ثبت شرکت و وکالتنامه‌های رای "بصورتی که نزد [کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده آمریکا] ثبت می‌شود" طبق تعریف، در مراجع عمومی مضبوط است. بدین ترتیب، دسترسی نسبی به مدارک که حسب اظهار، دو موضوع را از هم تفکیک می‌کند، وجود ندارد. در واقع، [دستورات صادره در مورد فلکسی - وان و جنرال موتورز در مورد هر دو موضوع صادق است. رجوع شود به زیرنویس ۸ در فوق. در هر صورت، اینکه اطلاعات ذیربط بالسویه در دسترس خواهانها و خوانندگان قرار دارد، قاعدتاً" باید موجب انعطاف پذیری بیشتری در ضوابط ارائه ادله شود نه کمتر، زیرا احتمال آنکه خواهانی موفق به گمراه کردن دیوان شود به حداقل تقلیل می‌یابد.

۱۵ - اشتباهی که در پرونده حاضر رخ داده، با اسناد و نوشته‌هایی که در دسترس عامه است، به منصفه ظهور می‌رسد. در (صفحه ۴۸) فرم ۱۰- ک آکسیدنتال پترولیوم که در دسترس عموم قرار دارد و طبق الزامات آئین نامه قانونی ایالات متحده در کمیسیون بورس و اوراق بهادار (۹) در واشنگتن دی - سی ثبت شده، آی او اف سی شرکت فرعی صد در صد مملوک منظور شده است. (۱۰) این مطلب در دو منبع استاندارد [زیر] تأیید شده است:

1982 Directory of Corporate Affiliations ("Who Owns Whom"), published by National Register Publishing Co., Inc. (A Macmillan, Inc. Company), 5201 Old Orchard Rd. Skokie Ill. 60077, at page 649

1986 Who Owns Whom (North America), published by Dun & Bradstreet Limited, 26-32 Clifton Street, London EC2P 2LY, at page 289.

(که رشته مشابهی را که خواهانها بیان کرده‌اند، تأیید می‌نماید).

به علاوه، مالکیت انحصاری آی او اف سی بر اینتر اور تریدینگ هم با درج در

---

(۹) حداقل در یکی از پرونده‌های مطروح در دیوان، طرفهای ایرانی از مدارک زیادی که از این کمیسیون تحصیل شده بود، در دیوان ثبت کرده و بدین طریق آشنایی خود را با این کمیسیون به ثبوت رسانده‌اند. رجوع شود به: بندهای ۳۲، ۳۳ و ۳۷ حکم شماره ۲-۴۳۹-۲۵۶، مورخ چهارم مهرماه ۱۳۶۵ [۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶] در پرونده اینترنشنال سیستمز اند کنترلز کورپوریشن و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران. همچنین رجوع شود به: بندهای ۳ (زیرنویس ۳) و ۶ نظر مخالف قاضی براوثر.

(۱۰) مالکیت مزبور از طریق چهار شرکت واسط است که در هر حال با ادعای خواهانها در لایحه تسلیمی به دیوان در ۱۹۸۵ تا حدی تفاوت دارد. فرم ۱۰- ک آکسیدنتال پترولیوم برای سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ نیز آی او اف سی را شرکت فرعی کاملاً مملوک نشان می‌دهد. در فرمهای ۱۰- ک [مربوط به سالهای] ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴، رشته مالکیت آی او اف سی همان است که خواهانها ادعا کرده‌اند. در [سال] ۱۹۸۵، نام آی او اف سی به اینتر اور کورپوریشن تغییر یافت.

فرم ۱۰ - ک مربوط به سال ۱۹۷۹ که در فوق ذکر شد و هم در کتاب Who Owns Whom [چاپ سال] ۱۹۸۶ (۱۱) مذکور در فوق، تأیید شده است.

۱۶ - مدارک موجود در دسترس از طریق مراجع عمومی در تأیید اظهارات خواهانها حاکی است که دیوان در رد صلاحیت خود دچار اشتباه شده است. (۱۲) مایلم این مطلب را روشن کنم که منظور من با نقل این اسناد آن نیست که دیوان باید ملزم شود کاری را که خواهان باید انجام می‌داد، برای وی انجام دهد. من این کار را تنها به این منظور کرده‌ام که نشان دهم، استنتاج منطقی آن است که در مواردی که خواهانی حداقل مدارک را راجع به تابعیت ادعایی خود تسلیم کرده اما مدارک مذکور واجد اعتبارند، و مدارک بیشتر در مورد نکات مورد اعتراض بالسویه در دسترس هر دو طرف قرار دارد، قصور خوانده در ارائه کوچکترین ادله معارض باید دیوان را با اطمینان خاطر به قبول صلاحیت رهنمون شود. (۱۳)

---

(۱۱) در Directory of Corporate Affiliations مربوط به سال ۱۹۸۲ شرکتهای فرعی معمولاً با تفصیل و جزئیات کمتری ذکر شده‌اند. مالکیت مذکور در فرمهای ۱۰-ک مربوط به سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ آکسیدنتال پترولیوم، باز هم تأیید شده است.

(۱۲) در هیچیک از این منابع، اشاره‌ای به اینتر اور اس ا نشده است. بنابراین اینجانب از اینکه دیوان نسبت به تنها ادعای مطروحه براساس قرارداد این شرکت با خوانده کود شیمیایی خود را صالح شناخته چندان معذب نیستم. سه ادعای دیگر مبتنی بر قرارداد در این پرونده جمعاً بالغ بر ۲۳۷/۷۸، ۱۰۵۵ دلار است.

(۱۳) خواندگان موضوع دیگری را هم عنوان کردند و آن اینکه ادعا کردند که بخشی از ادعای خود بتنهایی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار است، به جای آنکه در این پرونده ادغام گردد، می‌بایست بطور جداگانه و به عنوان ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطرح می‌شد. لیکن همانطور که دیوان در پرونده‌های دیگر نظر داده است، ادغام ادعاهای کوچکتر در پرونده واحدی توسط خواهانها اقدام نادرستی نیست و در واقع کمک می‌کند که دیوان وظایف خود را مرتب تر انجام دهد. رجوع شود به: صفحات ۱۰-۱۱ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵]، اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران، که در Iran-U.S. C.T.R. 10,16 9 نیز چاپ شده است.

سوم

۱۷ - شاید ناراحت کننده ترین جنبه این حکم آن باشد که بعد از رسیدگیهای کتبی جداگانه به موضوع صلاحیت، که روی موضوعی کاملاً مختلف، یعنی قیود انتخاب مرجع رسیدگی که هرگز در حکم مطرح نشده، متمرکز بوده و موضوع تابعیت حتی در آنها بطور رسمی مورد اختلاف نبوده، به نتیجه خود می‌رسد. در چنان شرایطی بر دیوان فرض بود که اگر چنانچه برآستی در مورد تابعیت ادعای خواهانها تردیدهایی ناگفته داشت، دستور رسیدگیهای بیشتر و شاید تشکیل جلسه استماعی دهد.

۱۸ - خوانندگان گرچه بدواً طبق معمول تابعیت امریکایی خواهانها و ادعاهای آنها را بطور کلی انکار کردند، اما هیچگاه در طول مرحله رسیدگی به صلاحیت در این پرونده دو مرحله‌ای، موضوع را تعقیب نکردند. آن مرحله با درخواست خواننده، شرکت بازرگانی دولتی، آغاز شد که خواسته بود به دفاع صلاحیتی وی براساس قید ادعایی انتخاب مرجع بطور جداگانه رسیدگی شود. خواهانها به این مرحله جداگانه رضایت دادند و در تاریخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۳ [اول نوامبر ۱۹۸۴] دیوان با صدور دستوری از طرفین خواست که لوایحی درباره «کلیه جنبه‌های صلاحیتی مربوط به این پرونده» تسلیم نمایند.

۱۹ - بعد از ثبت لایحه خواهانها (از جمله مدارک آنها)، دو خواننده، یعنی رازی و شرکت ملی گاز، که در مقابل ادعاهایی جمعاً به مبلغ ۹۰۸،۳۲۱/- دلار دفاع می‌کردند، مطلقاً هیچگونه اظهاریه‌ای راجع به مسئله صلاحیت ثبت نکردند. تنها دو خواننده یعنی شرکت بازرگانی دولتی که بررسی جداگانه صلاحیت را درخواست کرده بود و کود شیمیایی که آن نیز به دلیل قید انتخاب مرجع در مقابل ادعایی دفاع می‌کرد، لوایحی ثبت کردند. در این لوایح، مدرکی درباره تابعیت ارائه نشده بود و کود

شیمیایی حتی به عنوان یک موضوع هم اشاره‌ای بدان ننمود. بدین صورت تمام جریان مبادله لوایح به قید انتخاب مرجع پرداخت که موجب درخواست رسیدگی جداگانه شده بود. هرگز تصور نمی‌شد که تابعیت مورد اختلاف جدی باشد.

۲۰ - تحت این اوضاع و احوال، بدون آنکه دیوان یا از طریق درخواست ثبت لوایح بیشتری توسط خواهان، رجوع شود به بند ۳ ماده ۲۴ قواعد دیوان یا حتی صدور دستور تشکیل جلسه استماع، رجوع شود به بند ۲ ماده ۱۵ قواعد دیوان، (۱۴) در موضوع تابعیت بررسی بیشتری کرده باشد، خواهانها نمی‌بایست از دسترسی به دیوان محروم می‌شدند. وظیفه دیوان در اقدام آگاهانه در انجام وظیفه صلاحیتی خود، رجوع شود به بند ۷ فوق، ایجاب می‌کرد تا این حد عمل کند. (۱۵)

---

(۱۴) در چنین جلسات استماع جای خالی مدارک در مورد تابعیت به حدی که دیوان را متقاعد سازد، پر شده است. به عنوان مثال، رجوع شود به بند ۴ حکم شماره ۲-۳۳۴-۲۷۱، مورخ سوم آذرماه ۱۳۶۵ [۲۴ نوامبر ۱۹۸۶] کازموس اینجینیرینگ، اینک و وزارت راه و ترابری،

خواهان دیوان را متقاعد کرده که تبعه ایالات متحده است ... با اینکه مدارک مستندی که خواهان در این پرونده ثبت نموده از چندین لحاظ کافی نبود، اظهارات رئیس شرکت و وکیل خواهان در جلسه استماع ابهاماتی را که باقی مانده بود، مرتفع کرد.

همچنین رجوع شود به: صفحه ۹ [متن انگلیسی] حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵] اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران، که در Iran-U.S. C.T.R. 10, 15 9 نیز چاپ شده است ("آقای بکست در جلسه استماع پرونده شهادت داد ... که وی در تمام مدت عمر خود تبعه ایالات متحده بوده است").

(۱۵) به احتمال زیاد، اینگونه رسیدگیهای بیشتر موجب تحصیل اطلاعاتی از نوعی که در بخش دوم بالا مورد بحث قرار گرفت، می‌شده است.

## چهارم

۲۱ - نتیجه اقدام دیوان در عدم اعمال صلاحیت خود نسبت به این پرونده این است که پس از گذشت هفت سال از تاریخ تاسیس دیوان به منظور استماع "کلیه اینگونه ادعاها" مانند اکثر ادعاهای مطروح در این پرونده، اصل کلی ب بیانیه عمومی، باز طرفین را ملزم می‌نماید که کار را از نو آغاز کرده و داوری [دعاوی خود را] در سوئیس انجام دهند.

۲۲ - اگر دیوان ادعای تابعیت امریکایی خواهانها را قبول کرده بود، بدون شک دو ادعا جمعا" به مبلغ ۹۰۸،۳۲۱ دلار ناشی از قراردادهای بین آی او اف سی و رازی و بین اینتر اور تریدینگ و شرکت ملی گاز را حداقل استماع می‌کرد. هیچیک از این دو خوانده تحت کنترل ایران بودن را، چنانکه بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر داشته، انکار نکرد. (۱۶) همچنین هیچیک از آنها ادعا نکرد که ماده مربوط در قرارداد وی برای حل و فصل کلیه اختلافات از طریق داوری در سوئیس، صلاحیت را از دیوان سلب می‌کند. (۱۷)

---

(۱۶) در بند ۲۵ حکم شماره ۳-۵۶-۳۱، مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷]، صادره در پرونده اموگو اینترنشنال فایننس کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران، دیوان نظر داد که "بحثی نیست" که شرکت ملی گاز "تحت کنترل ایران" است.

(۱۷) در قراردادهای منعقد شده بین آی او اف سی و رازی و بین اینتر اور تریدینگ و شرکت ملی گاز به ترتیب مقرر شده است که :

تمام اختلافات ناشیه طی داوری در ژنو، سوئیس، توسط سه داور طبق قوانین و مقررات اطاق بین المللی بازرگانی حل و فصل خواهد شد. داوران موظف به رعایت قانون تعهدات

دنباله زیرنویس در صفحه بعد

تصمیم دیوان عمومی در قرار اعدادی شماره ۲۹۳-۸ مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده استون اند ویستر اور سیز گروپ اینک و شرکت ملی پتروشیمی، که در 1 Iran-U.S. C.T.R. 274 نیز چاپ شده است، مسلماً هر نوع ادعایی از این دست را از قبل محکوم به شکست می نمود. (۱۸)

---

[ادامه زیرنویس شماره ۱۷ از صفحه قبل]

فداریل سویس می باشد (به جز مقررات مربوط به اختلاف در قوانین) داوری باید به زبان انگلیسی انجام شود.

.....

قانون حاکم : " قانون تعهدات " سویس

داوری : هر اختلاف ناشی از این موافقتنامه باید طی داوری در ژنو، سویس طبق مقررات میانجیگری و داوری اطاق بین المللی بازرگانی حل و فصل شود.

(۱۸) از طرح ادعای مبتنی بر قرارداد آی او اف سی با بازرگانی دولتی به مبلغ ۱۴۶،۹۱۶/۷۸ دلار نیز، طبق یکی از مواد قرارداد مزبور دایر بر اینکه "اختلافات باید نهایتاً منحصراً توسط دادگاههای ایران حل و فصل گردند" با ایقانی مشابه ممانعت به عمل می آمد. رجوع شود به: حکم شماره ۲-۳۲۸-۱۰۹ مورخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] صادره در پرونده تکنالوجی اینتر پرایز اینک و شرکت معاملات خارجی، که در 5 Iran-U.S. C.T.R. 118 نیز چاپ شده است، حکم شماره ۱-۷۶۹-۶۶ مورخ ۲۵ مردادماه ۱۳۶۲ [۱۶ اوت ۱۹۸۳] صادره در پرونده ورلد فارمرز تریدینگ، اینک و شرکت بازرگانی دولتی، که در 3 Iran-U.S. C.T.R. 197 نیز چاپ شده است، و قرار اعدادی شماره ۱۲۱-۴ - دیوان عمومی، مورخ ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده جورج دبلیو دراگر و شرکت بازرگانی دولتی، که در 1 Iran-U.S. C.T.R. 252 نیز چاپ شده است. براساس این سوابق، احتمال موفقیت ادعای ۲۶،۸۵۴/۶۰ دلاری مبتنی بر قرارداد منعقد شده بین اینتر اور اس آ و کود شیمیایی کمتر بود زیرا در این قرارداد مقرر شده بود که:

داوری : هر اختلافی که از طرق دوستانه حل و فصل نگردد، باید به مقامات قانونی ایرانی ارجاع گردد.

رجوع شود به: کازموس انجینیرینگ، اینک و وزارت راه و ترابری، مذکور در بند ۹ فوق، ("استفاده از کلمه "داوری" به این صورت بدان معنی است که "داوری" که شق دیگری در مقابل حل و فصل قضایی است، کاملاً مورد نظر بوده است").

۲۳ - به دلایلی که بیان شده، من معتقدم که در حکم حاضر، دیوان موفق به انجام رسالتی نشده است که دولتین طرف دعوی بر عهده‌اش گذاشته‌اند، و در نتیجه اینجانب با این حکم مخالفم.

لا هه،

بتاریخ ششم اسفندماه ۱۳۶۶ برابر با ۲۵ فوریه ۱۹۸۸

چارلز ان. براوثر

چارلز ان. براوثر